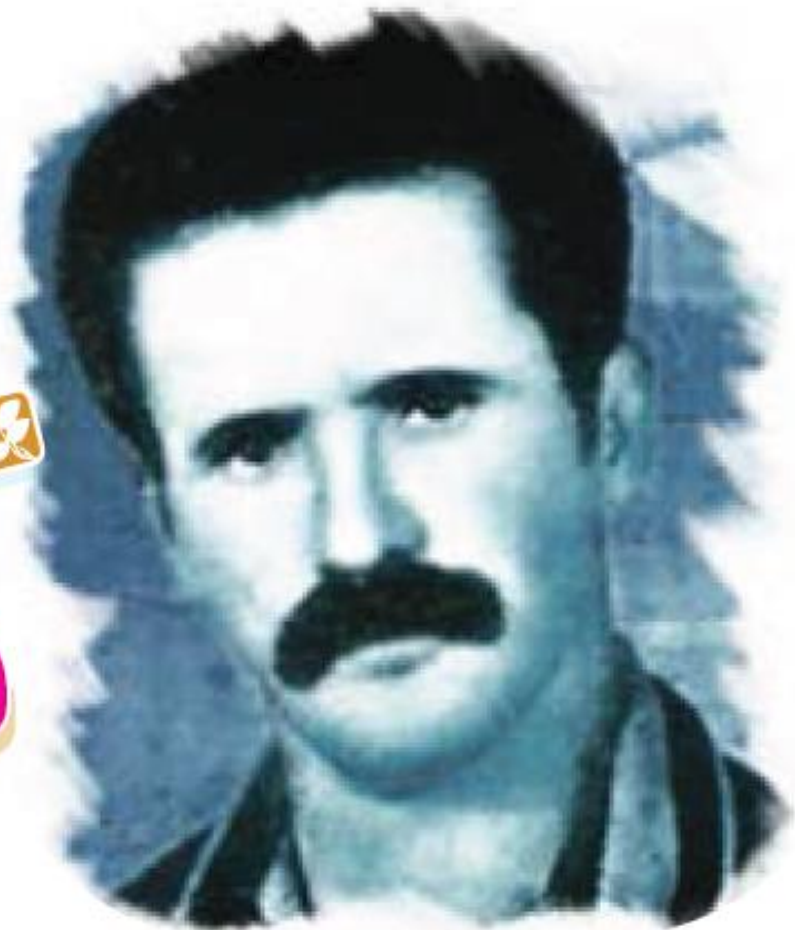


درس هشتم فارسی دریاقلی

آموزگار: درویشی

درس هشتم 
در ریاضی



واژه نامه

ارج می نهد: ارزش و احترام می گذارند **جان فشانی**: فداکاری و ایثار

جوامع: جمع جامعه

دلاور: شجاع ، دلیر

چله: تسمه ای که به کمان می بندند و تیر را به وسیله ی آن پرتاب می کنند.

پاسداری: نگهبانی **درنگ**: مکث، تأمل

نامآوران: افراد مشهور، نامداران

پرورنده: پرورش داده

جنگ تحمیلی: جنگ عراق علیه ایران

همت: قصد اراده

اوراق فروشی: مکانی که در آن قطعه های کهنه ی اتومبیل و وسایل دیگر فروخته می شود.

کوی: محله **حاشیه**: اطراف

الکن: کسی که هنگام صحبت نمی تواند کلمات را درست ادا کند و لکنت زبان دارد.

دشمن بعثی: نیروهای ارتش عراق در زمان صدام

دریاقلی! رکاب بزن، یا علی بگو چشم انتظارِ همت تو، دین و میهن است

دریاقلی! رکاب بزن و از علی (ع) کمک بخواه که دین و وطن در انتظار اراده ی قوی توست. (یا علی گفتن کنایه از تصمیم قاطع برای کاری گرفتن است)

فردا اگر درنگ کنی، کوچه های شهر میدان جنگ تن به تن و تانک با تن است

اگر فرصت را هدر بدهی، فردا کوچه های شهر محل نبرد تن به تن انسان ها با هم یا با تانک می شود.

از راه اگر بمانی و روشن شود هوا تکلیف شهر خاطره های تو، روشن است

اگر توقف کنی و هوا روشن شود، شهری که برای تو پر از خاطره است، نابود می شود. (تکلیف چیزی روشن شدن، کنایه از تمام شدن کار آن است)

دریاقلی! به وسعتِ دریاست نام تو تاریخ در تلفظِ نام تو آلکن است

دریاقلی! نام تو مانند دریا با عظمت و پرشکوه است و حتی تاریخ هم نمی تواند نام تو را درست تلفظ کند. (نام تو آنقدر با شکوه است که در تاریخ نمی گنجد).



- ۱ منظور از مصراع «چشم انتظار همّت تو، دین و میهن است» چیست؟
- ۲ به نظر شما میان کار آرش با دریاقلی چه شباهتی هست؟
- ۳ چرا دریاقلی توانست چنان کار بزرگی انجام دهد؟
- ۴ اگر به جای دریاقلی بودید، چگونه رزمندگان را از وجود دشمن آگاه می کردید؟

- (۱) وطن و دین ، در انتظار تلاش و اراده ی محکم تو برای نجات است.
- (۲) آرش و دریاقلی هر دو برای نجات ایران در مقابل دشمنان از جان خود گذشتند. البته آرش شخصیتی اسطوره ای است نه واقعی. اما می تواند نماد بسیاری از سربازان وطن باشد.
- (۳) زیرا این قهرمان در لحظه ی خطر ، به فکر جان خود و خانواده اش نبود و تردید و ترس به خود راه نداد و با آخرین سرعت ، خود را به شهر رساند و سربازان و مردم را آگاه کرد.



توجه به نشانه‌های نگارشی به خواندن بهتر و درک معنی و مفهوم متن، کمک می‌کند.

■ منظور از نشانه‌های نگارشی به کاربردن علامت‌ها و نشانه‌هایی است که خواندن و در نتیجه، فهم مطالب را آسان می‌کند.

چند نمونه از نشانه‌های پُر کاربرد عبارت است از:

- ۱ **نقطه (.)**: علامتی است که توقف در خواندن را نشان می‌دهد و در پایان جمله می‌آید.
- ۲ **ویرگول یا درنگ نما (،)**: نشانه‌ای برای درنگ کوتاه است که میان عبارت‌ها یا جمله‌ها و برای جدا کردن کلمه یا عبارت توضیحی یا جدا کردن اسم‌های اشخاص و ... به کار می‌رود.
- ۳ **دو نقطه (:)**: پیش از نقل قول مستقیم، هنگام توضیح دادن، شمردن اجزای یک چیز و هنگام معنی کردن کلمه به کار می‌رود.
- ۴ **علامت سؤال (؟)**: در پایان جمله‌های پرسشی یا برای نشان دادن شک و تردید یا ریشخند و ... به کار می‌رود.
- ۵ **نشانه‌ی بیان عاطفه یا تعجب (!)**: در پایان جملات تعجبی و جمله‌هایی به کار می‌رود که یکی از حالات عاطفی مثل آفرین، تأکید، افسوس، آرزو، دعا، ندا و ... در جمله باشد.



بخوان و بیندیش



تندگویان

واژه نامه:

- زینت : آرایش ، زیبایی ، زیور
- ساعی : کوشا ، تلاش کننده ، سعی کننده
- متدین: دین دار
- صدام: رئیس جمهور عراق از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۲. جنگ عراق علیه ایران در زمان او رخ داد.
- محبوب: دوست داشتنی
- قیام: به پاخاستن(برای ایجاد تحول و تغییر)
- انقلاب: تحول ، تغییر
- پالایشگاه : تصفیه خانه
- تلاوت : خواندن
- مبادله : تعویض کردن، چیزی را دادن و درمقابل آن چیزی گرفتن
- دژخیمان: دشمنان
- به پاس : برای تشکر
- مدعیان : ادعا کنندگان

درک و دریافت



۱ به نظر شما، چرا اسیران جنگی در دوران دفاع مقدّس، «آزاده یا آزادگان»، نامیده شده‌اند؟
۲ در این متن به کدام‌یک از داستان‌های قرآنی اشاره شده است؟ ارتباط آن را با این متن، توضیح دهید.

- (۱) بر اساس متن رزمندگان به سبب ایثار و از جان گذشتگی و استقامتشان آزاده نامیده شدند. این افراد خود را از ترس وابستگی‌ها رها ساختند تا بتوانند در خدمت میهنشان باشند.
- (۲) در انتهای متن اشاره به داستان حضرت یوسف شده است. چنان که می‌دانیم برادران یوسف به علت حسادت به علاقه‌ی پدرشان یعقوب به وی، او را در چاهی افکندند تا بمیرد. اما کاروانی که به سمت مصر می‌رفت او را در چاه یافت و به مصر برد و پس از مدتی درایت و هوشمندی یوسف او را عزیز مصر کرد. وی سال‌ها به کنعان نزد پدرش که از گریستن در غم از دست دادن وی بینایی چشمانش را از دست داده بود نرفت. شهید تندگویان نیز مانند یوسف در زندانی چون چاه اسیر شده بود. مردم ایران نیز همچون یعقوب سال‌ها منتظر بازگشتن او بودند.